

کلاس عالی درس اخلاق

کتاب کار مرتبی

درس: ازدواج

کتاب کار تربی

درس: ازدواج

فصل اول: ازدواج به مفهوم عام آن

۱- مفهوم و تعریف ازدواج

۲- اهمیت و لزوم ازدواج

۱- ۲ اهمیت تشکیل خانواده

۲- ۲ مزایای ازدواج

۳- ۲ مشکلات جوانان مجرد

۳- مسأله بلوغ و امر ازدواج

۱- ۳ معنی و مفهوم بلوغ

۲- ۳ ملاک‌ها و معیارهای بلوغ در زمینه‌های مختلف

الف: بلوغ جسمانی ب: بلوغ عقلی، روانی ج: بلوغ عاطفی د: بلوغ اجتماعی

فصل دوم: ازدواج از دیدگاه امر مبارک

۱- تعریف ازدواج بر اساس نصوص مبارکه.

۲- هدف ازدواج بهائی بر مبنای آثار مبارکه.

۳- نتایج ازدواج

۱- ۳ حفظ و صیانت فرد

۲- ۳ تکامل شخصیت و رشد فرد

۳- ۳ بهره مندی از اعتبار و حیثیت اجتماعی

۴- ۳ بهره مندی از تمتع معنوی و جسمانی

۵- ۳ رعایت اصل اقتصاد

۴- شالوده و اساس ازدواج بهائی

۵- مراسم ازدواج دو تن از طلعات قدسیه

فصل سوم: انتخاب همسر

۱ - صفات و خصوصیات همسر ایده آل

۲ - راههای شناخت و موانع آن

۳ - عشق و ازدواج

۴ - آداب و رسوم

فصل اول :

در میان خلق ازدواج عبارت از ارتباط جسمانی است و این اتحاد و اتفاق موقت است... لکن ازدواج اهل بهاء باید ارتباط جسمانی و روحانی هر دو باشد.
حضرت مولی الوری (۱)

ازدواج به مفهوم عام آن

۱ - مفهوم و تعریف ازدواج

ازدواج کلمه ایست عربی از باب افتعال که به معنای جفت گزیدن و همسر انتخاب کردن آمده است. جامعه شناسان در تعریف ازدواج گفته اند:
" ازدواج یک نهاد فرهنگی است که پیوندی کم و بیش دائمی بین زن و شوهر برقرار می کند و به ثمر پیوندشان مشروعیت می دهد." (۲) و همچنین:
" ازدواج فرایندی است که در آن زنان و مردان طی تشریفات و آئین خاصی روابط دو جانبه و متناسبی را به منظور تأسیس خانواده آغاز و ادامه می دهند تا در کانون زندگی زناشویی، از حقوق ویژه و وظائف خاص و متقابل یکدیگر بهره مند شده، موهبت داشتن و پروردن اولاد را نصیب خود سازند." (۳)

۱ - نکات مهم و برجسته تعاریف فوق کدامند؟

۲ - تعاریف و مفاهیم دیگری را از سایر منابع استخراج و به کلاس بیاورید.

۲ - اهمیت و لزوم ازدواج :

برای پی بردن به اهمیت و لزوم ازدواج از سه جهت آن را مورد مطالعه قرار می دهیم.

۱ - ۲: اهمیت تشکیل خانواده:

ازدواج ضامن بقای نسل و تداوم حیات بشری است که هسته مرکزی خانواده را به وجود می آورد و خانواده از بنیادی ترین، عام ترین و مهم ترین اجتماعات بشری محسوب می شود. خانواده ها در کنار هم زندگی می کنند و اجتماعات بزرگتر بشری را در روستاها، شهرها و کشورها تشکیل می دهند. انسان به قول ارسطو مدنی الطبع است و برای رفع نیازهای متنوع خویش به همکاری و مساعدت هموعان خویش نیازمند است و همکاری انسانها در درجه نخست از خانواده آغاز می گردد.
زندگی زناشویی عرصه جلوه و بروز بسیاری از استعداد های زوجین و کانونی برای تقویت و پرورش خصائل چون همکاری، همدردی، محبت و ایثار در هر یک از آنهاست.

۲ - فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه حسن پویان، ص ۲۲۸

۱ - گنجینه حدود و احکام ۷ صص ۱۵۹ - ۱۶۰

۳ - اقتباس از مجموعه Dictionary of Modern Sociology

۲ - ۲ مزایای ازدواج

حضرت مولی الوری ارواحنا فدا می فرمایند قوله الاحلی:

"تاسیس عائله خیلی مهم است. تا انسان جوان است، از غرور جوانی ملتفت نمی شود. چون پیر شد، افسوس می خورد".^(۱) و همچنین می فرمایند:

"... تأهل به موجب شریعت الله هست. لهذا خیلی مبارک است. در جوانی نتایج و برکاتش معلوم نیست ولی بعد انسان می بیند عائله تشکیل نموده خیلی متلذذ می شود و محظوظ، تأهل برای انسان حصنی می گردد که از هوی و هوس مصون می ماند."^(۲)

سن جوانی بهار عمر انسانی است. دوره درک زیباییها و شکوفائی استعدادها، دوره تهور و بی باکی است. آدمی با ورود به این دوره گوئی تولدی تازه یافته و به دنیای جدیدی قدم نهاده، با مسائل ناشناخته‌ائی مواجه می شود و امتحانات دشواری در پیش دارد.

دوره جوانی دوره طوفان هیجانهاست. جوان در این سن به راکبی می ماند که بر اسبی سرکش سوار است و در فضائی ناشناخته می راند. اگر مهار این مرکب را در اختیار نگیرد و بر مسیری ایمن هدایت ننماید، ای بسا از این دوران طلائی جز حسرت و پشیمانی نصیبی نبرد. این دوران با همه زیبایی بی مثالش بسیار حساس و سخت آسیب پذیر است. اندک غفلتی کافی است تا به دوران اسفناک تبدیل گردد و کوچکترین بی مبالاتی ممکن است به ضایعه‌ای دردناک بیانجامد.

و ازدواج بر طبق نصوص صریحی که زیارت کردیم، حصن حصینی است که جوانان را از بسیاری مفاسد و مناهی محفوظ و مصون می دارد.

۳ - ۲ مشکلات جوانان مجرد:

طبق تحقیق کارشناسان مسائل جوانان انواع ناسازگاری‌های اجتماعی و بیماری‌های روانی در بین جوانان مجرد بیش از جوانان متأهل دیده می شود.

جوان مجرد گاه خود را در دنیای ناشناخته خویش تنها و بی کس می پندارد، احساس می کند در درون خویش دردهای بسیار و گفتمنی‌های بیشمار دارد. ولی محرم رازی نمی بیند که سنگ صبورش باشد و بتواند اندکی تسلی یابد.

عدم امنیت عاطفی ممکن است جوان مجرد را به ورطه‌ای اسفناک و گاه بیماری‌های روانی سوق دهد. او در این سن نیازمند به محبت است و همچنین نیازمند به ابراز محبت به دیگران است. در دوران کودکی از محبت خانواده به ویژه مادر و پدر برخوردار و نخست به آنها وابسته بوده، اینک از آن دلبستگی رها شده و در عین استقلال عاطفی و روانی به کسی نیازمند است که دوستش بدارد، محرم رازش باشد، شریک غم و مکمل شادی هایش گردد.

۱ - چه دلایل دیگری بر اهمیت و لزوم ازدواج وجود دارد؟

۲ - آیا ازدواج در امر مبارک واجب شمرده شده است؟

۳ - مسأله بلوغ و امر ازدواج :

یکی از عمومی ترین شرایط ازدواج برای افراد در اکثر جوامع بشری " بالغ بودن" است اما معیارهای بالغ بودن در جوامع مختلف بشری متفاوت است. برخی جوامع بیشتر به مفهوم جسمی و جنسی بلوغ در امر ازدواج توجه دارند ولی در بسیاری دیگر از جوامع و ملل سایر جنبه های شخصیت انسان نیز مورد توجه است.

۱ - ۳ معنی و مفهوم بلوغ:

"انسان بالغ" در دنیای امروز و به معنای عرف کلمه کسی است که در زمینه های جسمانی - روانی - عقلی - عاطفی و اجتماعی شایستگی و پختگی های لازم را بدست آورده و می تواند نقش خویش را به عنوان عضوی از اعضاء جامعه بشری ایفا نماید. معمولاً دوران نوجوانی و بخصوص جوانی دوران بلوغ انسان از جنبه های مختلف می باشد. چرا که به اعتباری می توان زندگی آدمی را به چهار دوره کودکی، جوانی، بزرگسالی و پیری تقسیم کرد. در این صورت نوجوانی و جوانی آغاز و پایان یک دوره بشمار خواهد آمد. جوانی دوره ای است که به دنبال یک سلسله درگیری های اجتناب ناپذیر ناشی از افزایش نیروها در دوره نوجوانی سرانجام با جفط همه آن نیروها به اعتدالی پایدار منجر می گردد و این همان بالغ شدن است. در این دوره جوان روی هم رفته به حالت تعادل بیسابقه و پایداری می رسد که از هر نظر آرام بخش و سازنده است. لذا در صورتی که تحول روانی نوجوان در شرایط مطلوب صورت گرفته باشد، کافی است که شور و شوق جوانی تحت نظم درآید تا این بلوغ و پختگی جوان را به سوی تحصیل عالی ترین خصائل انسانی سوق داده و او را برای ایفای مسئولیت های خویش آماده نماید.

۲ - ۳ ملاک ها و معیارهای بلوغ در زمینه های مختلف :

الف: بلوغ جسمانی: جوان، با پشت سر گذاشتن بحرانی که بر اثر رشد جسمی سریع نوجوانی پدید آمده، استحکامی تازه یافته و از نیرومندی کافی برخوردار می شود. اندام ها، مغز و اعصاب به اندازه کافی رشد کرده و فرد انسانی توانائی های جسمانی لازم را بدست آورده و به صورت مرد یا زنی کامل که می تواند وظائف زناشویی را انجام دهد، در آمده است. بلوغ جنسی معمولاً زودتر از بلوغ جسمانی می باشد. یعنی در دوران نوجوانی نیز ممکن است فرد آمادگی لازم را برای ایفای وظائف جنسی خود دارا باشد. ولی بلوغ جسمانی که رشد همه جانبه اندامها مغز و اعصاب می باشد، کمی بعد از آن حاصل می گردد. در جوامع ابتدائی بلوغ جنسی به عنوان معیار تلقی می گردید ولی در جوامع امروزی بلوغ جسمانی به عنوان یکی از معیارهای ازدواج بشمار می آید.

ب: بلوغ عقلی و روانی: بالغ روانی و عقلی را می توان چنین تعریف کرد:

۱ - به مرحله ادراک ارزش های اجتماعی، معنوی، اقتصادی و غیره رسیده است.

۲ - مسائل جدی زندگی نظیر انتخاب شغل، انتخاب همسر، اداره خانواده، گرایش به عقیده

خاص، برای او مطرح شده و ذهنش را به خود مشغول داشته است.

۳ - از تفکر منطقی، استقلال رأی و قضاوت صحیح برخوردار است.

۴ - از قضاوت عجولانه ناسنجیده و به طور کلی از پیش داوری های نابخردانه و کودکانه امتناع

می کند.

۵ - نسبت به مسائل حول و حوش خویش واقع بین است و از اعمال، عقاید، نظریات و روشهای

دیگران بدون دلیل پیروی نمی‌کند.

۶- از اعتماد بنفس بهره‌مند است.

۷- اهداف زندگی خود را متناسب با توانائی‌ها و امکانات خویش انتخاب می‌کند.

۸- در مسیر زندگی هدف و وسیله را به خوبی تشخیص می‌دهد و وسیله را به جای هدف نمی‌نشاند.

ج: بلوغ عاطفی: بالغ از دیدگاه عاطفی کسی است که:

۱- از توانائی محبت کردن به دیگران و پذیرش محبت از دیگران بهره‌مند است.

۲- ترس و خشم کودکانه را پشت سر گذاشته، بر هیجان‌ها و عواطف خود کنترل دارد.

۳- در ابراز عواطف به صورت کلامی و رفتاری، هنجارها، ضوابط فرهنگی و اعتقادی جامعه خویش را در نظر می‌گیرد.

۴- از سعه صدر برخوردار است و به عقیده دیگران هر چند که مخالف عقیده خودیش باشد، احترام می‌گذارد.

۵- عواطف مبهم دوره نوجوانی جای خود را به احساسات شدیدی داده است که موضوع آنها روز به روز روشن‌تر می‌شود.

۶- شور و التهاب دوره نوجوانی گرچه همچنان به شدت خود باقی است، از صورت کلی و عمومی خارج شده است و میل به سازگاری با محیط، میل به ماجراجویی را تعدیل کرده است.

۷- هر چند متکی و وابسته به والدین و سایر افراد خانواده نیست ولی به آنها به دیده حق‌شناسی و احترام می‌نگرد.

۸- در شرایط متعارف، سرشار از شور زندگی است به هنگام برخورد با مشکلات در حد لازم متین و بردبار است و حتی الامکان سعی می‌کند ثبات عاطفی خویش را حفظ کند.

د: بلوغ اجتماعی: شخص بالغ از لحاظ اجتماعی:

۱- تماسهای اجتماعی متنوع‌تر و فراوان‌تری را داراست. سازگاری اجتماعی او آسان‌تر شده است.

۲- خود را عضوی از اعضاء جامعه می‌داند.

۳- در قبال جامعه‌ای که به آن تعلق دارد، احساس مسئولیت می‌نماید و به ضوابط اجتماعی احترام می‌گذارد.

۴- در امور اجتماعی فعالانه شرکت می‌نماید.

۵- از آداب معاشرت بهره‌کافی دارد و دیگران را آنچنان که هستند، می‌پذیرد.

۶- در مباحثات و مشاورات آنچه بنظرش صحیح می‌آید، با متانت و رعایت آداب بیان می‌کند.

۷- به اظهارات دیگران با متانت گوش فرا می‌دهد و جبهه‌گیری بی‌منطق نمی‌نماید.

۸- با اطلاع از استعدادها و علائق خویش و توجه به شرائط و امکانات محیط، شغل خویش را انتخاب می‌کند.

۹- از استقلال مالی کافی بهره‌مند می‌شود و از اوقات فراغت خویش به صورتی معقول استفاده

می‌کند.

خودشناسی :

اکنون که معیارهای مختلف "بالغ شدن" را شناختیم، خود را با آنها بسنجیم، جدولی ترتیب داده و این معیارها را با سه درجه / کاملاً، تا حدی، کمی / با خودتان انطباق دهید. این جدول فقط برای خودشناسی است و احتیاجی به ارائه آن نیست.

فصل دوم:

"بین بهائیان مسأله ازدواج این است که مرد و زن باید جسماً و روحاً متحد باشند تا در جمیع عوالم الهی اتحادشان ابدی باشد و حیات روحانی یکدیگر را ترقی دهند این است اقتران بهائی."

(حضرت عبدالبهاء) (۱)

ازدواج از دیدگاه امر مبارک

۱ - تعریف ازدواج بر اساس نصوص مبارکه: عقد و پیمانی است دائمی و مقدس بین زن و مرد که به منظور زندگی مشترک و بر مبنای تفاهم و تعاون متقابل بوجود می آید و می توان آن را کامل ترین و پایدارترین نوع روابط انسانی دانست. زیرا در عین این که رابطه ای جسمانی، عاطفی، فکری و ذاتی است، ارتباطی معنوی و روحانی نیز هست.

حضرت عبدالبهاء ارواحنا فدا می فرمایند، قوله الاحلی:

"لکن ازدواج اهل بهاء باید ارتباطی جسمانی و روحانی هر دو باشد. زیرا هر دو سرمست یک جامند و منجذب یک طلعت بیمثال." (۲)

۲ - هدف ازدواج بهائی بر مبنای آثار مبارکه:

حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی می فرمایند:

"تزوجوا یا قوم لیظهر منکم من یدکرنی بین عبادی هذا من امری علیکم اتخذوه لانفسکم معیناً."

با توجه به آیه مبارکه، هدف ازدواج را می توان به صورت زیر بیان نمود:

اولاً "تدوام نسل بشر و تداوم هستی انسان.

ثانیاً "تربیت اولاد در ظل شریعة الهی.

ثالثاً "برخورداری از یاری و معاونت همسر در طول زندگی.

۳ - نتایج ازدواج: علاوه بر مواردی که به عنوان هدف ازدواج بیان گردید، نتایجی بر ازدواج

مترتب می باشد که می توان آن را به صورت زیر بیان نمود:

۱ - ۳ حفظ و صیانت فرد: حفظ و صیانت جسمانی و روانی فرد از آسیب تنهائی یا روابط بی قید و شرط غیر بهداشتی و تجربه های نامناسب که احتمال وقوع آن در عالم تجربه بیشتر است، از نتایج ازدواج به شمار می رود. آمار نشان داده است که معمولاً اشتغالات، تفریحات و سرگرمی های افراد مجرد کمتر از اشخاص متأهل با اصل بهداشت تن و روان آدمی موافق است.

۲ - ۳، تکامل شخصیت و رشد فردی: تجربه نشان داده است که وظائف زناشویی و اقتصادی و

نقش پدری و مادری خود از جمله انگیزه های قوی در بروز و ظهور استعدادها و توانائی ها و مهارت های

آدمی است. زیرا احساس و قبول مسئولیت‌های زناشویی و تربیتی سبب کوشش و رشد قوای فکری و تقویت عواطف انسانی و بروز سجایا و فضائل اخلاقی می‌گردد.

۳-۳ بهره مندی از اعتبار و حیثیت اجتماعی: در تمدن‌ها و جامعه‌های قدیمی و معاصر، زنان و مردان مزدوج، معمولاً بیش از افراد مجرد از اعتبار اجتماعی و اعتماد و احترام دیگران برخوردار بوده‌اند و در بیشتر جوامع از مزایای مادی و معنوی متعددی نیز بهره‌مند شده‌اند.

۳-۴ بهره مندی از تمتع معنوی و جسمانی: از نتایج دیگر ازدواج، کامیابی عاطفی و جسمانی است. ازدواج اگر با عشق و علاقه دو جانبه حقیقی همراه گردد، کامل‌ترین و پایدارترین پیوندی است که بین دو فرد برقرار می‌گردد و می‌تواند آنان را از مواهب جسمانی و روحانی که حق برای آنان مقرر فرموده، برخوردار سازد.

۳-۵ رعایت اصل اقتصاد: این صرفه جوئی در بسیاری از شئون زندگی با پیوند زناشویی حاصل می‌شود. علاوه بر این که مخارجی مانند هزینه تأمین مسکن، غذا، مسافرت و نیازمندی‌های دیگر در زندگی مشترک به درجات مختلف تقلیل می‌یابد و در بودجه زن و مرد صرفه جوئی می‌شود، باید متوجه بود که در مصرف نیروی انسانی نیز با توجه به تقسیم کار اصل اقتصاد تحقق می‌یابد، همچنین بسیاری از نیروهای جسمانی و معنوی فرد و ساعات پربهای عمر که در مجرد به بلا تکلیفی و تردید و تزلزل و یا آزمائش‌های بی فایده به عبث از دست می‌رود، در حیات زناشویی صرف تأمین احتیاجات اساسی و فعالیت‌های ثمر بخش و پایدار می‌شود و از اتلاف سرمایه‌های مادی و انسانی هر دو می‌کاهد.

۱- با چه جنبه‌هایی از نتایج ازدواج که ذکر گردید، موافق نیستید؟

۲- چه نتایج دیگری به غیر از آنچه ذکر شد، می‌توان نام برد؟

۴- شالوده و اساس ازدواج بهائی

حضرت عبدالبهاء جل ثنائه می‌فرمایند:

"زن و مرد باید فی الحقیقه رفیق باشند، غمخوار یکدیگر باشند، موافقتشان از روی حقیقت

باشد..."^(۱)

"... در این امر حیات عاقله باید مثل حیات ملائک سماء باشد، روحانیت و سرور باشد، اتحاد

و اتفاق باشد، مرافقت جسمانی و عقلانی باشد، خانه منظم و مرتب باشد، افکارشان مانند اشعه‌های

شمس حقیقت و ستاره‌های روشن سماء باشد، چون دو مرغ بر شاخسار شجر وحدت و یگانگی

بسرایند، همیشه پر فرح و سرور باشند، سبب سرور قلوب دیگران شوند، برای دیگران سر مشق

باشند. برای یکدیگر محبت صمیمی حقیقی داشته باشند..."^(۲)

امر ازدواج در زندگی فرد بهائی نقطه عطفی بسیار مهم است، زیرا پیوندی با شکوه و سرنوشت

ساز است، بنیان‌گذاری بنیادی متین و استوار است، بنیان‌گذاری این بنا را دختر و پسر پرشور، برعهده دارند که با قلبی مملو از شوق و امید بر آستانه زندگی مشترک قدم بر می‌دارند. بانیان چنین بنیادی مهم و حیاتی باید:

نه تنها از بلوغ جسمانی و روحانی تا حد لازم برخوردار باشند، بلکه بر اهمیت نقش و رسالت خود واقف بوده، اهداف روحانی و اجتماعی خویش را با استمداد از آیات و آثار الهی در زندگی مشترکی که آغاز می‌نمایند، متخصص سازند. ولی شالوده اصلی این بنای متین را عشق و محبت یگانگی و همدلی تشکیل می‌دهد. آری تا گلزار وجود آدمی از چشمه حیات بخش محبت سیراب و پرتراوت نشود و از این تراوت محبت دیگران را بهره‌مند نسازند، چگونه می‌تواند از مواهب زندگی به نحو شایسته بهره گیرد و خویش را سعادت‌مند بیندارد؟

بنیاد زندگی زناشویی بهائی باید بر شالوده‌ای که با آب و گل محبت سرشته شده بنا شود و با مصالحی از عشق و صفا اکمال پذیرد. در چنین بنایی است که هرگز جغد شوم ویرانی بر بامش ننشیند و خرابی و زوال در کانونش راه نیابد.

خلل پذیر بود هر بنا که می‌بینی مگر بنای محبت که خالی از خلل است.

حافظ

در این بنا جز نوای عشق و محبت بگوش نمی‌رسد و غیر از گل‌بانگ توکل و تسلیم به رضای الهی نغمه دیگری اصفا نمی‌شود:

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر یادگاری که در این گنبد دوار بماند

حافظ

مثلی اعلای امر جمال ابهی و مهر فروزان عهد اولی حضرت عبدالبهاء ارواحنا فدا، بانیان جوان بنیاد خانواده بهائی را با این بیانات دُرّیات نصیحت می‌فرمایند: قوله عزّ بیانه:

"نسبت به یکدیگر چون عاشقان الهی و حبیبان معنوی باشید، حیات خود را در بهشت محبت بگذرانید، آشیانه خود را بر شاخه‌های شجر محبت بنا کنید. در فضای با صفای محبت پرواز کنید و در بحر بیکران محبت شنا کنید، در گلزار جاویدان محبت مشی کنید، در ظل اشعه تابان شمع محبت حرکت کنید. بگذارید تا آمال و افکار شما دُرّجی از لعالی بحر محبت باشد."^(۱)

۵ - مراسم ازدواج دو تن از طلعات قدسیه

اول - قسمتی از خاطرات سرکار علیه منیره خانم، همسر حضرت عبدالبهاء

"حضرت ورقه علیا، یک دست لباس سفید و زیبا و لطیف که به کمک آسیه خانم حرم جمال مبارک تهیه نموده بود و همچنین یک نقاب سفید نو (روسری) آورده به من پوشانیدند و با این ترتیب آرایش من برای عروسی انجام گرفت... تعداد موعوین (در مراسم) قلیل بود و عبارت بودند از: آسیه خانم، حرم جمال قدم - بهائیه خانم، همسر عبود (مالک منزل کوچکی که عائله مبارک جمال قدم در آن

سکنی داشتند) و سه دختر مشارالیه که یکی از آنها مایل بود گیسوان مرا به طرز بهتری آرایش کند ولی من ترجیح دادم موهایم همانطور که بافته شده بود، در دو طرف آویخته بماند. و بالاخره حرم جناب میرزا موسی کلیم، جمال مبارک مرا مخاطب ساخته، نصایحی به این شرح بیان فرمودند: (ترجمه)

"ای منیره، ای دختر من. من ترا برای همسری غصن اعظم انتخاب نمودم و این موهبتی است که خداوند نصیب تو کرده و در آسمان و زمین نعمت و موهبتی اعظم از آن نیست... "آه که آن لحظات چه لحظات جاودانی و فراموش نشدنی بود. جمال مبارک قبلاً" لوحی به افتخار ما نازل فرموده بودند که بنا به میل و اصرار میهمانان من آنرا تلاوت نمودم... در موقع انجام مراسم ازدواج، حضرت بهاءالله بنفسه المقدس به تلاوت ادعیه و اذکار پرداختند. افسوس که آن شادی و شغف روحانی که ما را در بر گرفته بود، با کلمات و عبارات معمولی قابل توجیه نیست... تلاوت مناجات و ادعیه پایان یافت و من اکنون همسر و همدم محبوب قلبی خود بودم.

در جشن عروسی ما، کیک و شیرینی و تزئینات و همچنین موزیک و سرودی وجود نداشت، حضار با فنجان‌های چای پذیرائی شدند ولیکن فضل و عنایت و برکت جمال مبارک شامل بود و عظمت و جلالی حاکی از عشق و محبت و فرح و سرور بالاتر از همه تشریفات و تجملات ظاهری بود. مدت پنجاه سال من با محبوب و معبود خود زندگی کردم. هیچگاه جدائی دست نداد، مگر در مدت مسافرت‌های هیکل مبارک به قطر مصر و بلاد غرب که موقتاً "مفارقت حاصل شد.

"آه‌ای محبوب من، سرور و معبود من چگونه از تو سخن بگویم..."^(۱)

دوم - مراسم ازدواج حضرت ولی امرالله به قلم حضرت امة البهاء روحیه خانم

"... سه سال بعد من مجدداً مشرف شدم و این بار به همراهی دو نفر از دوستان مادرم بودم. لذا در سال ۱۹۳۷ وقتی مشرف شدیم، غریبه نبودیم بلکه زائر مشتاق بودیم که عشق و محبت‌مان نسبت به مولای عالمیان به اعلی نقطه اعتلاء رسیده بود.

یقین است که سادگی ازدواج مبارک که عین ازدواج حضرت عبدالبهاء در زندان عکا بود، شایسته است که بسیاری را به فکر اندازد و سرمشقی کامل برای جمیع یاران شود."

"جز پدر و مادر هیکل مبارک، دو خواهر و برادرشان و پدر و مادر این کمیته، احدی دیگر خبر نداشت. بی نهایت سعی فرمودند که این مسأله با نهایت سکوت و آرامی بگذرد. زیرا می دانستند که چه قدر این قبیل مسائل ممکن است سبب مشاکل گردد. خادمین و باغبانها خیلی تعجب کردند وقتی هیکل مبارک به همراهی این کمیته بعد از ظهر ۲۵ مارچ ۱۹۳۷ اتومبیل سوار شده و برای زیارت بهجی عازم شدند. خوب به یاد دارم که لباسی سیاه رنگ و یک کت سفید روی آن پوشیده بودم. و با آنکه از غرب بودم، میل مبارک این بود که خود را مناسب حیات بیت مبارک سازم. چون آرزوئی دیگر جز اوامر مبارک نداشتیم، به راحتی هر چه فرمودند، انجام دادم و همین که داخل روضه مبارکه شدیم، فرمودند انگشتری را بدهید و من تا آن وقت انگشتری مبارک را زینت سینه خود داشتم آن را از گردن در آورده، تقدیم کردم و با دست خودشان آن را در دست راست من گذاشتند و این تنها کاری بود که انجام شد. و مراسم

ازدواج به همین جا خاتمه یافت. بعد داخل ضریح مقدس ابهی شده، از ظرفی نقره‌ای گل‌های خشک آن مقام مبارک را در دستمال پر کرده برداشتند. بعد از زیارت نامه مراجعت به حیفا کردیم. مستقیم به اطاق حضرت ورقه علیا رفتیم و در آنجا بود که عقد صورت گرفت. این کمینه جز در دو موقع یکی در مسافرخانه و دیگری هنگامی که مرا به محضر خود احضار و اعلان زناشوئی فرمودند، هرگز با ایشان تنها نبودم. و این ازدواج ما هرگز با مراسم دعوت‌ها و ضیافت‌ها و جشن‌ها و البسه مخصوصه و غیره توأم نگردید. بلکه در همان شب پدر و مادر هیکل مبارک، طبق اوامر حضرت بهاء‌الله ورقه عقد را که دلیل رضایت ایشان بود، امضاء کردند. بعد من رفتم به مسافرخانه غربی، حضرت ولی امرالله هم تشریف بردند به اطاق کار خودشان برای رسیدگی به امور جاریه امریه، موقع شام تشریف آوردند و به پدر و مادر من بی نهایت اظهار عنایت کردند و تبریک گفتند. آن دستمال گلی که از روضه مبارکه آورده بودند، با لبخندی الهی به مادرم عنایت کرده فرمودند: این گلها از روضه مطهره است. پدر و مادر من هم ورقه ازدواج را امضاء نمودند. بعد از شام به همراهی هیکل مبارک به بیت حضرت عبدالبهاء رهسپار شدم. فوجیتا جامه دان‌های مراقبلا^۱ به بیت مبارک برده بود. بعد از آنکه مدتی با عائله مبارک نشستیم، رفتیم به خانه خصوصی حضرت ولی امرالله و آن عبارت بود از دو اطاق که حضرت ورقه مقدسه علیا برای ایشان ساخته بودند. این آرامش و بساطت و وقاری که حضرت ولی امرالله در این ازدواج مزاعات فرمودند، ابداً دلیلی بر آن نیست که آن را بی اهمیت انگاشتند، بلکه بالعکس اهمیتی که به آن ازدواج دادند از تلگرافی که به انشای حضرت ولی امرالله و امضای مادر ایشان است، پیداست.

تلگراف از حینا ۲۵ مارچ ۱۹۳۷

روحانی پاریسیان طهران، بشارت عظمی عقد اقتران حضرت ولی امرالله را به یاران ایران ابلاغ نمائید. اکلیل جلیل را امة البهائ روحیه صبیبه دو خادم چانفشان آستان مقدس مستر و میسیس ماکسول حائز. ضیائیه.

"... اهمیت زیادی که برای این ازدواج قایل بودند، این بود که شرق و غرب را به هم مربوط نمود.^(۱)

فصل سوّم: انتخاب همسر

۱ - صفات و خصوصیات همسر ایده‌ال

پرده اول:

زن: نمی‌دونم چطور شده که با خواندن این کتاب دلم می‌خواد به مقدار به گذشته برگردم و ببینم که ما اگه چه چیزائی رو رعایت کرده بودیم، زندگیمون بهتر می‌شد. من که با خوندنش احساس کردم خیلی چیزاست که در مورد ازدواج ناگفته مونده... ببینم حواست با منه؟!
مرد: (در حالی که روزنامه را ورق می‌زند) هوم!

زن: خیلی نکات جالبی توی این کتابه و به عالمه منوبه فکر فرو برد که اگه این نکات رو ما از اول می‌دونستیم زندگیمون خیلی خیلی بهتر از این بود.

مرد: آها!

زن: چرا همه‌اش هوم و آها میگي؟! اصلاً چیه وقتی می‌آئی خونه همه‌اش یا اخبار می‌بینی یا روزنامه می‌خونی؟ نمی‌خوای دو کلمه با هم حرف حساب بزنی؟

مرد: چرا، الان این مقاله رو تموم کردم. آهان بفرمایین در خدمتم...

زن: متوجه حرفام شدی؟

مرد: کمی تا قسمتی

زن: کمی تا قسمتی چی؟ ابری یا بارانی؟

مرد: فعلاً که کاملاً "آفتابی". حُب بگو ببینم چه نکاتی نظرت رو جلب کرده بود؟

زن: ببینم هیچوقت قبل از ازدواج فکر کرده بودی که صفات و خصوصیات همسر ایده‌ال کدومه؟

مرد: فکر نکرده بودم. ولی بعداً پیدا کردم.

زن: بسه دیگه. اگه این زبون هم نداشتی چی می‌شد؟

مرد: همینه دیگه، بابا به این میگن ابراز علاقه نه چرب زبانی. حُب حالا مقصودت چیه که من

جوون بیست و چند ساله به صفات همسر ایده‌ال قبل از ازدواج فکر کرده باشم. اصلاً

خودتو که اون موقع نمی‌دونم چند سالت بود و هنوز هم البته نمی‌دونم به این موضوع فکر

کرده بودی؟

زن: اولاً "که من هر چند سال داشته باشم، بالاخره از تو جوونترم. ثانیاً" منظورم همینه که اگه اون

موقع فرصتی داشتیم تا به این صفات و خصوصیات فکر کنیم، چند تا خاصیت مهم

داشت.

مرد: اینکه کاری نداره. همین الان به تیکه کاغذ به من بده تا من سریع همه رو لیست کنم.

۱ - صفات و خصوصیات همسر ایده‌ال خود را به ترتیب اولویت فهرست کنید.

۲ - این صفات و خصوصیات تا چه حد شبیه به صفات خود شماست؟ آیا معتقدید همسر

آینده شما باید مکمل شما باشد یا شبیه به شما؟

پرده دوم:

مرد: حُب. حالا این صفات رو لیست کردیم. یعنی باید به دنبال کسی باشیم که همه این صفات رو داشته باشه؟

زن: به نظر من به عنوان افراد بهائی باید اول ببینیم این صفات و خصوصیات که لیست کردیم واقعا هموناییه که در امر به اونا اشاره شده یا نه؟ مثلاً "ممکنه زیبایی ظاهری که جزء توانائی های انسان به شمار نمی ره و فقط به خصیصه است که آدمها کم و بیش از اون بهره دارند، به عنوان اولویت اول برای ما مطرح باشه. آیا این به عنوان ارزش اساسی محسوب می شه؟

مرد: نکته دیگه به نظر من اینه که وقتی ما این صفات و خصوصیات رو نگاه می کنیم، صفات و خصوصیات که به قول تو باید با ارزش های امر مبارک هم مطابق باشه، این فکر رو داشته باشیم که نباید فقط به دنبال پیدا کردن این صفات و خصوصیات در فرد دیگری به عنوان همسر آینده باشیم، بلکه نکته مهم تر اینه که در خودم این صفات رو ایجاد کنم. چون من هم یک انتخاب کننده ام و هم یک انتخاب شونده.

زن: واضح تر توضیح بده منظورت چیه؟

مرد: ببین. مثلاً "حضرت عبدالبهاء می فرمایند که به دنبال همسری باش که "آرزومند کمال" باشد" یعنی همیشه بخواد که در راه تکامل خودش از این چیزی که الان هست بهتر بشه. به نظر من اول خود ما باید ببینیم که آرزومند کمال هستیم یا نه؟ و اگه نیستیم این خود سازی در ما ایجاد بشه که آرزومند کمال بشیم تا بتونیم لایق و شایسته همسری فردی در آینده بشیم.

زن: آهان فهمیدم. یعنی فکر نکنیم که این صفات و خصوصیات رو فقط باید در همسر آینده خود جستجو کنیم. بلکه بایستی در خودمون هم به دنبال اونا باشیم یا سعی در استقرار و تکامل این فضائل کنیم. راستی ببینم اون بیان حضرت عبدالبهاء که اول حرفات گفتی چی بود؟

مرد: اجازه بده... اون بیان رو توی جزوه "هدیه ازدواج" دیدم... اینهاش.

حضرت عبدالبهاء خطاب به مرد جوانی که در صدد انتخاب همسر آینده اش بوده می فرمایند:

"... باید دختری را انتخاب کنی که شایسته و قابل هدف های روحانی و معنوی تو باشد، او باید

عادل و باهوش باشد، آرزومند کمال باشد و به جمیع مسائل مربوط به زندگانی تو علاقمند باشد و در

جمیع مراحل حیات یار و شریک تو باشد، رقیق شفیق باشد، دارای قلبی مهربان و سرور انگیز باشد،

آنگاه تو باید خود را فدای سعادت او نمائی و او را با عشقی روحانی و زائد الوصف دوست بداری.

مرد قبل از انتخاب زوجه باید با متانت و هوشیاری و به طور جدی فکر کند که این دختر در تمام

مراحل زندگی با او خواهد بود. ازدواج یک امر موقتی نیست او روحی است که باید در تمام ایام

حیات با او همدم و مأنوس باشد. قرینه و محرم صمیمی او شود، لهذا باید روز به روز محبت و انس و

الفت نسبت به هم زیادتر شود..."

زن: نکات مهم و برجسته این بیان مبارک به نظر تو چیه؟

- ۱ - نکات مهم و برجسته بیان حضرت عبدالبهاء چیست؟
 ۲ - فهرست نهائی کلاس شما (تهیه شده در فعالیت قبل) تا چه حد با این نکات مطابقت دارد؟

۲ - راه‌های شناخت و موانع آن

پرده سوم:

زن: ولی به نظر من مشکل‌ترین قسمت این تهیه راه هائی است که بتوونیم به وسیله اون راهها همسر آینده خودمون رو بهتر بشناسیم. حتی می‌دونی که زمان ۹۵ روزه نامزدی هم بیشتر اختصاص داره به تدارکات زندگی آینده. پس چطوری این شناخت بخصوص در جامعه حال حاضر امکان داره؟

مرد: دو جور نظریه افراطی و تفریطی در این مورد وجود دارد. یکی کسانی که میگن تا شناخت کامل نشه نباید ازدواج کرد که این رو در نامزدی‌های طولانی چند ساله یا کسانی که چندین سال تحقیق می‌کنند می‌تونی ببینی و نوع تفریطی اونم که شناخت رو خیلی مهم نمی‌دونه. این مورد هم در خیلی جاها مرسومه مثل خواستگاری کردن از روی عکس و یا ندیده و نشناخته و هزار جور مدل دیگه‌اش که همه مون دیدیم.

زن: حرف من هم همینیه که بخصوص جوونهای بهائی در این دوره چه جوری باید نسبت به هم شناخت پیداکنن و تازه این شناخت تا چه حد کامله؟ آیا ما سعی نمی‌کنیم که در ارتباطات اجتماعی خودمون رو خوب جلوه بدیم تا مورد توجه دیگران واقع بشیم؟ آیا حتی اگه بخوایم در مورد دختر یا پسری از دیگران تحقیق کنیم اونها نظرات درست و صائبی به ما ارائه می‌دن و اصولاً این کار درسته؟

۱ - راههای شناخت همسر آینده کدامند؟

۲ - چه موانعی در این راهها وجود دارد؟

۳ - عشق و ازدواج

پرده چهارم:

زن: اصولاً به نظر من علاقه و احساس آدمه که حرف اول رو می‌زنه. خود انسان وقتی متوجه بشه به یک نفر علاقه داره، به نظر من این کاملاً کافیه.

مرد: اصلاً چه جوری می‌خوای بفهمی که این عشق و علاقه احساس حقیقی هست یا مجازی؟ خیلی‌ها فکر می‌کنن که به یه نفر علاقه دارن. ولی بعد از مدتی متوجه میشن که این

احساس، حقیقی نبوده.

زن: مگه ما نمی‌گیم که عشق و محبت شالوده و اساس زندگی است. آیا اصلاً" میشه بدون این احساس و عشق با فرد دیگری ازدواج کرد؟ به نظر من که مهم‌ترین معیار انتخاب هم، همین عشق می‌تونه باشه.

مرد: بینم مگه ما خیلی رو نمی‌شناسیم که با عشق و علاقه آتشین ازدواج کردند ولی با نفرت از هم جدا شدند. من نمی‌گم که عشق لازم نیست ولی به نظر من یک احساس مبهم که گاهی وقت‌ها فکر می‌کنیم عشق حقیقی هست نمی‌تونه تضمینی برای یه زندگی موفق باشه، آیا صرفاً" با توجه به یک احساس که در معرض امتحان و محک قرار نگرفته می‌تونیم به ازدواج تن بدیم؟ و اصلاً" از خیر و شر شناخت بگیریم.

- ۱ - تشخیص عشق و علاقه حقیقی و مجازی چگونه ممکن است؟
 ۲ - شناخت و دوست داشتن چگونه می‌توانند در کنار هم قرار بگیرند؟

۴ - آداب و رسوم

پرده پنجم:

زن: یکی از بزرگترین مسائل ازدواج به نظر من اینه که آداب و رسومی وجود داره که بعضی از اونا اصلاً" درست نیست. حتی بعضی هاش خیلی هم غیر عادلانه است.

مرد: مثلاً" چه آداب و رسومی؟

زن: یکی اش همین خواستگاریه. چرا در جامعه ما مردها فقط حق دارن که به خواستگاری برن و دخترها این حق رو...
 مرد: و دخترها این حق رو دارن که جواب منفی بدن و پسرها دست از پا درازتر دوباره برگردن اون

دفعه یکی از دوستانم می‌گفت که دیگه می‌خواد گل مصنوعی بخره تا اگه دوباره جواب منفی شنید، دسته گل رو برداره برای بعدی.

زن: همینه دیگه شما مردها به خودتون حق می‌دین که اگه این نشد، خواهرش یا همسایه‌اش یا اون یکی - این اصلاً" رسم درستیه.

مرد: خیلی از رسوم هست که از قدیم در جامعه ما رواج داره که بعضی از اونا کاملاً" در جامعه بهائی عوض شده. مثلاً" تعبیه مهریه‌های سنگین، آیا تا بحال فکر کردی که چه فایده‌ائی

داشته و یا بهتر بگم هنوز هم فایده داره یا نه و همچنین خیلی از رسوم دیگه ازدواج که می‌تونیم راجع به اونا بحث کنیم.

- ۱ - آداب و رسوم ذکر شده در این گفتگو را نقد کنید.
- ۲ - چه آداب و رسوم دیگری در محل شما (قبل از ازدواج) وجود دارند؟ متحاسن و مشکلات ناشی از آنها را ذکر کنید.